

بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در فضای باز و نیمه‌باز مجتمع‌های مسکونی

(نمونه موردی: مجتمع مسکونی منطقه ۲۲)*

مهدی خاک‌زند^۱ (نویسنده مسئول)، آلاله بقالیان^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۲۸

چکیده

بر طبق مدل‌های تعریف شده برای نیازهای انسانی، تعاملات اجتماعی یکی از موارد ضروری می‌باشد که عدم توجه مناسب به این امر در طراحی مجتمع‌های مسکونی امروزی و در نظر نگرفتن پیامدهای روانشناختی آن، زندگی فردی و اجتماعی ساکنین را با مشکلاتی مواجه ساخته است. فضای باز و نیمه باز مؤثر در مجموعه‌های مسکونی به عنوان زمینه‌ساز تعامل فعال از جمله مواردی می‌باشد که کمتر در طراحی‌ها به اهمیت آن‌ها توجه شده است. منطقه ۲۲ تهران به دلیل ویژگی‌های خاص خود از قبیل دسترسی مطلوب به پارک‌ها، دریاچه‌ها، آبشارها و سایر جاذبه‌های گردشگری جدیدالاحداث و موقعیت جغرافیایی خاص از جمله مناطقی از تهران بزرگ می‌باشد که بیشترین میزان ساخت و ساز مسکن انبوه در آن مورد انتظار می‌باشد. از این رو، مقاله حاضر می‌کوشد ضمن شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در فضای باز و نیمه باز مجموعه مسکونی منطقه ۲۲ تهران ساکنان مجموعه‌های مسکونی را از مصرف کننده غیر فعال (در فضای بیرونی) به مشارکت کننده فعال تبدیل نماید. در این راستا، عوامل مؤثر بر افزایش تعاملات اجتماعی شناسایی و کدگذاری گردیده‌اند. همچنین، با بهره‌گیری از روش تحقیق تئوری زمینه‌ای و روش تحلیل «آنتروپی شانون» به بررسی برهمکنش و تاثیر این موارد بر افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین و درجه اهمیت آنها در مقایسه با یکدیگر پرداخته شده و با تقریب قابل قبول محوری بودن تمامی موارد و لزوم به کارگیری همزمان آنها در طراحی نشان داده شده است. در پایان، راهبردهایی جهت بهبود تعاملات اجتماعی با تمرکز بر بهبود فضای باز و نیمه باز برای مجتمع‌هایی که در آینده در این منطقه ساخته می‌شوند ارائه گردیده است.

واژه‌های کلیدی

مجتمع مسکونی، فضاهای باز و نیمه باز مؤثر، تعاملات اجتماعی، تئوری زمینه‌ای، آنتروپی شانون، منطقه ۲۲ تهران.

۱. استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین

۱- مقدمه

به دنبال رشد فزاینده شهرنشینی، الگوی تولید مسکن در کشورهای مختلف به تدریج تغییر یافته است. در واقع آپارتمان نشینی را می‌توان از مهم‌ترین تحولات فرآیند اسکان بشر طی این سال‌ها در شهرها به شمار آورد. در ایران نیز همگام با روند رشد شهرنشینی فزاینده، سیاست تولید مسکن انبوه در قالب مجتمع مسکونی به عنوان یکی از راه‌های پاسخ به نیاز مسکن به سرعت گسترش یافته است (عزیزی و ملک‌محمدنژاد، ۱۳۸۶). در گذشته حیاط فضای ارتباط با طبیعت و گذران اوقات فراغت ساکنین بود و ارتباط مناسبی بین فضای مسکونی و محیط طبیعی برقرار می‌کرد ولی متأسفانه در سالهای اخیر در روند ایجاد مجتمع‌های مسکونی بیشتر فضای باز به مسیر تردد اتومبیل‌ها اختصاص یافته و طبیعت سهم ناچیزی از آن دارد و نقش فضای سبز به عنوان فضای ارتباط و تعامل هر روزه کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌شود، پس اگر امروز همسایه‌ها با هم بیگانه شده‌اند و فضای باز مسکونی سرد و خشک است، به این دلیل است که در طراحی مجموعه‌ها و محله‌های مسکونی به کیفیت زندگی اجتماعی افراد توجه کافی نشده است (قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۳). سیاست ساخت مسکن حداقل و انبوه‌سازی آن در ایران، بدون در نظر گرفتن نیازهای مختلف انسان و نتایج روانشناختی آن، از مسائلی است که زندگی فردی و اجتماعی ساکنین را با مشکلات و نابسامانی‌های متعدد مواجه کرده است (عینی‌فر، ۱۳۷۹) از طرفی نارضایت‌مندی سکونتی به عنوان عاملی تأثیرگذار در کیفیت زندگی فردی شناخته شده است. رضایت‌مندی و تندرستی یک جامعه در گرو احساس رضایت‌مندی مردم آن از یک زندگی استاندارد و راحتی است، از این رو رضایت‌مندی به عنوان شاخصی مهم به منظور بررسی کیفیت به شمار می‌آید (Abdul Ghani & Noraini, 2006). بنابراین نظر به اهمیت وجود روابط و تعاملات اجتماعی بین انسان‌ها و نادیده گرفتن این مهم در طراحی‌های امروزی و با توجه به کمبود بررسی‌های علمی - پژوهشی در این زمینه در کشور، پژوهش حاضر بر آن است که با بررسی و شناخت عوامل مؤثر در طراحی فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی راهکارهایی ارائه نماید که سبب بهبود روابط همسایگی و افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین گردد. منطقه ۲۲ در سطح تهران و فراشهری از قابلیت دسترسی مطلوبی برخوردار است. دسترسی‌های این منطقه بزرگراه‌های حکیم، همت، آزادگان، تهران-کرج و آزادراه در دست ساخت تهران-شمال می‌باشد. این منطقه در طرح تفصیلی تهران به عنوان

قطب گردشگری تهران مطرح شده است تا نیازهای رفاهی شهر تهران را برطرف سازد که بر همین اساس پروژه‌های بسیاری از جمله آبشار تهران، دریاچه مصنوعی چیتگر، محور چهارباغ، بوستان جوانمردان ایران، شهربازی هزارویک شهر (تهران لندن)، تهران مال، پارک آبی چیتگر، پردیس سوارکاری، تله کابین و مونوریل چیتگر در این منطقه در حال ساخت و تکمیل می‌باشند. با وجود پارک‌های جنگلی چیتگر، خرگوش دره، لتمان کن و جهت وزش باد در تهران که عموماً غربی- شرقی است این محدوده از تهران آب و هوای پاکیزه و مطلوبتری نسبت به دیگر مناطق تهران دارا می‌باشد. مشاهدات حاکی از آن است که بیشترین میزان ساخت و ساز در آینده نزدیک در این منطقه صورت خواهد گرفت. بدین منظور در این تحقیق پس از بیان مباحثی در حوزه رفتار و روابط اجتماعی انسان‌ها در محیط، به بررسی نقش فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی جهت افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین پرداخته و در این راستا سه مجتمع مسکونی متفاوت در منطقه ۲۲ تهران انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در نهایت نیز به ارائه راهکارهایی که می‌توانند جهت نیل به اهداف تحقیق مؤثر باشند، پرداخته شده است.

۲- مروری بر ادبیات موضوع

۱-۲- جایگاه تعاملات اجتماعی

از حدود دهه ۱۹۷۰ میلادی به مرور رشد نوعی فرآیند فکری بر پایه بازگشت به زندگی طبیعی گذشته و لزوم زندگی جمعی انسان‌ها مشاهده شده است که از نمونه این اقدامات می‌توان به ایجاد مجموعه‌های مسکونی با عنوان کوه‌اوسینگ اشاره نمود که هدف از ایجاد آن، تشویق انسان‌ها به زندگی اجتماعی بوده است (McCament & Durrett, 1989). ارتقاء سطح زندگی اجتماعی انسان‌ها، فراهم ساختن تجربه زندگی هماهنگ گروهی مبتنی بر روش‌های مردم سالارانه برای ساکنین و همچنین دستیابی به سطح بالایی از پایداری انگیزه اصلی در ساخت مجموعه‌هایی از این دست می‌باشد. ساکنین چنین مجموعه‌هایی تشویق می‌شوند با هم زندگی کنند و فعالیت‌های جمعی داشته باشند (Scottthanson & Scottthanson, 2005). پس از شکل‌گیری این ایده، مطالعات بسیاری جهت احیا و تقویت ارتباطات اجتماعی انسان‌ها و ارتباط بین فضاها و محیط‌های بیرون از ساختمان‌ها و فعالیت‌هایی که در آنها روی می‌دهد، انجام گرفت که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره خواهد شد. در تحقیقی که در سال

بیشتر شود، افراد احساس تعلق خاطر بیشتری نسبت به آن محیط نموده و از بودن در آن محیط احساس آرامش بیشتری می‌کنند و نهایتاً روابط در محیط گرم‌تر و تأثیر محیط بر افراد بیشتر خواهد شد (ذبیحی، ۱۳۹۳). رضایتمندی و تندرستی یک مجموعه مسکونی در گرو احساس رضایتمندی مردم آن از یک زندگی استاندارد و راحت است. در این رابطه ژینیو به بررسی اثر طراحی محل سکونت بر رضایتمندی ساکنین پرداخته است. در این پژوهش تمرکز بر حس رضایتمندی بدون توجه به عواملی مانند سرگرمی و زندگی اجتماعی بوده است (Cao, 2015). هانگ و همکاران به بررسی مالکیت بر رضایتمندی ساکنان خانه پرداخته‌اند و اینگونه نتیجه گرفتند که مالکیت باعث افزایش سطح رضایتمندی از محل سکونت می‌گردد (Huang et al., 2015). جان‌سن به بررسی تأثیر خواسته‌ها و انتظارات و واقعیت موجود بر رضایتمندی پرداخته است و اینگونه نتیجه گرفته است که اگر خواسته‌ها متفاوت از داشته‌های موجود باشند باعث کاهش سطح رضایتمندی ساکنین می‌گردد (Jason, 2015). در نتایج پژوهش کلاسیک فستینگر و همکارانش در دانشگاه ام‌آی‌تی به شکل روشنی، تأثیر طرح‌های متفاوت محیط بر برقراری تماس‌ها و تعاملات میان افراد نشان داده شده است (Festinger et al., 1950). رفیعیان و همکاران به میزان اجتماعی شدن و تقویت مشارکت اجتماعی زنان و ارتباط آن با فضای ساختمان پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که از نظر زنان اجتماع پذیر بودن فضا و نظارت اجتماعی در آن بیشترین ارتباط را با میزان مطلوبیت فضاهای عمومی دارد (رفیعیان، ۱۳۸۷). دانشپور و همکاران در تحقیق خود بر روی علل و عوامل مؤثر بر حفظ و تداوم حیات جمعی و کیفیت اجتماع پذیری فضاهای عمومی نتیجه گرفتند که مواردی از قبیل پذیرا بودن فضا برای افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، تأمین آسایش روانی و فیزیکی، لذت بردن افراد و گروه‌های اجتماعی از حضور در فضا و حضور اجتماعی فعال و مداوم بیشترین تأثیر را بر حفظ و تداوم حیات جمعی و کیفیت اجتماع پذیری فضاهای عمومی دارند (دانشپور، ۱۳۸۶).

۲-۲- رابطه محیط- رفتار و نقش طراح در این ارتباط

روانشناسان محیط معتقدند که شرایط فیزیکی تأثیر انکارناپذیری بر رفتار و افکار انسان دارد تا آنجا که بررسی رفتارهای انسان بدون توجه به محیط و شرایط فیزیکی حاکم بر آن امکان‌پذیر نیست. در روانشناسی محیط، رفتار

۲۰۰۶ توسط هانگ صورت گرفته به بررسی رابطه بین طراحی محوطه مجموعه‌های مسکونی و میزان تعاملات اجتماعی ساکنین پرداخته شده است. در این تحقیق پرسشنامه‌هایی بین ساکنین سه مجتمع مسکونی پخش شد و از نتایج مشخص گردید که نوع طراحی فضاهای مختلف محوطه، فضاهای بازی، فضاهای گیاه کاری شده و فضاهایی که دارای مکان‌های نشستن مناسبی هستند، می‌توانند تأثیر به‌سزایی در افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین داشته باشند (Huang, 2006).

در تحقیقی دیگر که در سال ۱۹۹۵ در آمریکا صورت گرفت به بررسی عوامل مختلف مؤثر بر تعاملات اجتماعی ساکنین در محله‌های مسکونی پرداختند. جک‌ال.نسر و همکارانش بررسی را از طریق آزمون‌های مقایسه‌ای بین مجموعه‌های مسکونی با طراحی‌های مختلف انجام دادند. از نتایج پرسشنامه‌ها مشخص گردید که ساکنین در مجموعه‌های چند عملکردی نسبت به مجموعه‌های تک عملکردی از ارتباط همسایگی بهتری برخوردار هستند و همچنین خانواده‌های دارای فرزند نسبت به خانواده‌های بدون فرزند به مراتب ارتباطات همسایگی بیشتری داشتند. همچنین در آپارتمان‌هایی که دارای محوطه و فضای سبز بودند تعاملات اجتماعی بیشتری نسبت به آپارتمان‌های فاقد حیاط مشاهده می‌گردید. (Nasar & Julian, 1995).

طبق تحقیقی که از ۹۱ کودک ساکن در یکی از محله‌های سؤال با آپارتمان‌های بلند مرتبه صورت گرفت، بیشترین فضاهای مورد علاقه کودکان فضاهای باز مجموعه اعم از فضاهای بازی و پارک‌ها می‌باشند (Min & Lee, 2006). در تحقیقی که در سال ۲۰۰۸ انجام شده است، ارتباط نزدیکی بین کیفیت فضاها و محیط‌های بیرون از ساختمان‌ها و فعالیت‌هایی که در آنها روی می‌دهد، وجود دارد (Whyte, 1980). در این زمینه، گل معتقد است که میزان و کیفیت این فعالیت‌ها، تا حد زیادی تحت تأثیر نوع طرح‌ریزی محیط‌های بیرونی است. بعلاوه، وی معتقد است که از طریق طرح‌ریزی، می‌توان بر الگوهای فعالیت‌های رایج در محیط‌های بیرونی تأثیر گذاشت. این تأثیرگذاری می‌تواند برای ایجاد شرایط بهتر برای بروز فعالیت‌ها و همچنین برای ایجاد محیط‌های سرزنده شکل گیرد (گل، ۱۳۹۲). در تحقیقی که در سال ۱۳۹۰ توسط ذبیحی و همکاران صورت گرفت نشان داد که هر قدر میزان احساس رضایت نسبت به یک محیط

در تعامل با ابعاد فیزیکی، معماری و نیز محیط مورد بررسی قرار می‌گیرد. انسان از یک سو تحت تأثیر شرایط محیط قرار می‌گیرد و از سوی دیگر، با توجه به نیازها، ارزش‌ها و هدف‌های خود، محیط را دگرگون می‌کند و به محیط سازمان می‌بخشد. هر فرد بیش از آنچه خود به تنهایی بر محیط پیرامون خود تأثیر می‌گذارد، از آن تأثیر می‌پذیرد (نوذری، ۱۳۸۳: ۴۴). رفتارها نیز برای ارضای نیازها وارد عمل می‌شوند از این‌رو، شناخت نیازهای انسان مدل‌های مختلفی ارائه شده است که هیچ کدام به نظر کامل و بدون نقص نیست ولی مدلی که توسط آبراهام مازلو^۱ تهیه شده است از همه بیشتر مورد توجه قرار گرفته زیرا به نظر می‌رسد قابلیت تطابق بیشتری با اصول طراحی محیطی دارد (شولتز، ۱۳۷۸). از نظر وی سلسله مراتب نیازهای انسانی سلسله مراتبی هرمی شکل است. پایین‌ترین قسمت هرم نیازهای مربوط به نیازهای فیزیولوژیکی و بالا ترین قسمت مربوط به نیازهای زیبایی شناسانه است. در سومین سطح از سلسله مراتب مازلو نیاز به تعلق خاطر داشتن یا نیازهای اجتماعی می‌رسیم تمام انسانها به دنبال یافتن کسانی هستند که با آنها احساس خوشبختی می‌کنند. ما نیاز به معاشرت با دیگران و پذیرش و تأیید آنها داریم. بنابراین انسان موجودی اجتماعی بوده و ارتباطات و تعاملات اجتماعی^۲ از نیازهای اساسی اوست. غالباً انسان در تعامل با دیگران است که توانایی‌های خود را می‌شناسد، به خلق معانی می‌پردازد و هویت خود را می‌سازد (تی‌وود، ۱۳۷۹). از دیدگاه کریستوفر الکساندر^۳ رابطه متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسان به پیوند جویی و احساس تعلق به مکان یک ضرورت است. همچنین وی معتقد است فعالیت‌هایی چون تعامل با دیگران و مشاهده فعالیت‌های مردم، با به وجود آوردن زمینه‌های اجتماعی شدن و اجتماع‌پذیری به رشد فردی انسان کمک می‌کند. در عین حال تعامل اجتماعی، نگرش افراد با پیشینه‌های ذهنی و ویژگی‌های متفاوت را به یکدیگر نزدیک می‌کند (الکساندر، ۱۳۸۷).

محیط برای تأمین تجربه‌ها و رفتارهای انسان توان بالقوه‌ای دارد که از آن به عنوان قابلیت محیط یاد می‌شود. اما تمام افراد به چیزهای مشابهی در محیط مراجعه نمی‌کنند و تمام موقعیت‌ها توسط افراد درک نمی‌شوند و بعضاً موقعیت‌هایی که درک شده‌اند، قابل بهره برداری نیستند. در واقع در مراحل ادراک، شناخت و در نهایت رفتار فضایی^۴ که جان لنگ از آن به عنوان فرآیندهای بنیادین رفتار انسان یاد کرده، بین افراد مختلف تفاوت‌هایی وجود دارد. اطلاعات

محیط از طریق فرآیندهای ادراکی بدست می‌آید که به وسیله طرحواره‌های^۵ ذهنی برانگیخته شده و توسط نیازهای انسانی هدایت می‌شوند. با شناخت این فرآیندها، طراحان می‌توانند کاربرد آنها را در طراحی محیط، تدوین نمایند و تا حدودی اثر محیط ساخته شده بر رفتار را پیش‌بینی کنند و طرح خود را در جهت تمایلات و نیازهای افراد هدایت کنند. در مورد تأثیر محیط در ایجاد زمینه برای این تأثیرات، چهار رویکرد وجود دارد: رویکرد جبری^۶، رویکرد امکان‌گرا^۷، رویکرد احتمال‌گرا^۸، رویکرد اختیاری^۹. رویکرد جبری بر این باور است که تغییر در منظر و عناصر معماری محیط، به تغییراتی در رفتار، به ویژه در رفتار اجتماعی منجر می‌شود. در واقع این رویکرد برای سرشت انسان‌ها در شکل‌دهی به رفتارها نقش کمتری قائل شده است تا تربیت، که به این دلیل چندان قابل دفاع نیست. در مقابل رویکرد اختیاری نقشی برای محیط در رفتار افراد قائل نمی‌شود، که این رویکرد هم به دلیل وجود برخی محدودیت‌های جدی مؤثر بر رفتار مثل ویژگی‌های زیست‌شناختی، منطقی به نظر نمی‌رسد. رویکرد امکان‌گرا محیط را تأمین‌کننده رفتار انسان و کمی بیشتر از آن می‌داند. این رویکرد، محیط را شامل مجموعه‌ای از فرصت‌های رفتاری می‌داند که بر طبق آن ممکن است رخ ندهد. اما اختیارگرایی به عدم قطعیت نظام وقوع رفتارهای انسان و محیط عمل طراحان معتقد است، ولی فرض می‌کند که اساس رفتار انسان متغیر نیست (جان لنگ، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

۳-۲- فضای باز محیط‌های مسکونی و تعاملات اجتماعی

فضاهای باز به عنوان بخش جدایی ناپذیر مجتمع‌های مسکونی، هم از نظر روابط اجتماعی و هم از نظر ساختار و منظر شهری حائز اهمیت هستند (Marcus & Sark Issian, 1986). چنانکه یان گل^۱، معمار و شهرساز دانمارکی، که محور اصلی پژوهش‌هایش را بر روی تعامل مسائل جامعه‌شناسی و روانشناسی با فضاهای عمومی شهری متمرکز نموده در کتاب معروف خود با عنوان «زندگی در میان ساختمان‌ها» فعالیت‌های اجتماعی را از جمله فعالیت‌های اساسی انسان‌ها در فضاهای باز شهری می‌داند (کاشانی‌جو، ۱۳۸۹). همچنین معتقد است نقش اینگونه فضاها در شکل‌گیری ملاقات‌ها، گفتوها و انجام فعالیت‌های اجتماعی تأثیر به‌سزایی دارد (Gehl, 1987). در واقع فضاهای باز مسکونی به نوعی تبلور ماهیت زندگی جمعی هستند و موجب فراهم آمدن موقعیت‌هایی برای رشد خلاقیت، زمینه معاشرت، تقابل و تعامل اجتماعی ساکنین می‌شوند (نوذری، ۱۳۸۳).

نخواهد آمد (میثاقیان، ۱۳۸۸). با توجه به ابعاد مختلفی که در زمینه تعاملات اجتماعی مطرح شده، طراحان باید با استفاده از راهکارهای مختلف، در جهت افزایش فرصت‌های تعامل و ارتباط در ساختمان‌ها تلاش کنند در عین حال که در طراحی‌ها به خلوت و کنترل قلمرو مکانی نیز توجه می‌نمایند (لنگ، ۱۳۸۳).

جدول ۱: حالت‌های مختلف فضا در رابطه با فعالیت
مأخذ: (پاکراد، ۱۳۸۸)

فضا می‌تواند به گونه‌ای باشد که باعث تجمع فعالیت‌های مختلف گردد و در این راه می‌توان از تمهیداتی چون حذف فضاهای خالی بلااستفاده، جانمایی واحدهای فضایی فعال در محل حضور مردم و ... بهره جست. متقابلاً فضا می‌تواند به گونه‌ای باشد که امکان گرد هم آمدن فعالیت‌های مختلف را در کنار هم منتفی سازد. فضاهای تک عملکردی چنین ویژگی‌ای دارند. فضا می‌تواند امکان تعامل فعالیت‌ها و افراد را با یکدیگر یا در کنار هم فراهم سازد به این طریق که افراد درگیر در یک فعالیت در عین حال بتوانند به درجات مختلف در فعالیت‌های همجوار هم دخیل گردند به طور مثال گروهی که در یک فضا نشسته‌اند به تشویق بازی کودکان بپردازند. می‌تواند باعث تفکیک کامل فعالیت‌ها و انسان‌های دخیل در آنها گردد. به طوری که هر کس صرفاً به فعالیت خود بپردازد. فضا می‌تواند به گونه‌ای باشد که فعالیت‌های مختلف را به درون خود فراخواند و بستر مناسب را برای آنها فراهم آورد. این خصلت با تسهیلاتی چون گذر ملایم میان عرصه‌های خصوصی و عمومی و فراهم آوردن اشراف بر آنچه در جریان است محقق می‌گردد (میری، ۱۳۹۲). در عوض فضا می‌تواند چنان باشد که هر فعالیت انتخابی را دفع نماید و تنها اجباراً به فعالیت‌های ضروری اجازه بروز دهد.	تجمع یا پراکندگی
فضا می‌تواند بر روی فعالیت‌های فضای مجاز از طریق پشت کردن به آنها، وجود موانع فیزیکی، فاصله‌ی زیاد و ... بسته شود و از طریق کمتر کردن فاصله میان فعالیت‌ها، رودرو قرار دادن آنها و هم سطح کردنشان و ... می‌توان فضا را به روی فعالیت‌های مختلف گشود.	تلفیق یا تفکیک
	جذب یا دفع
	باز یا بسته

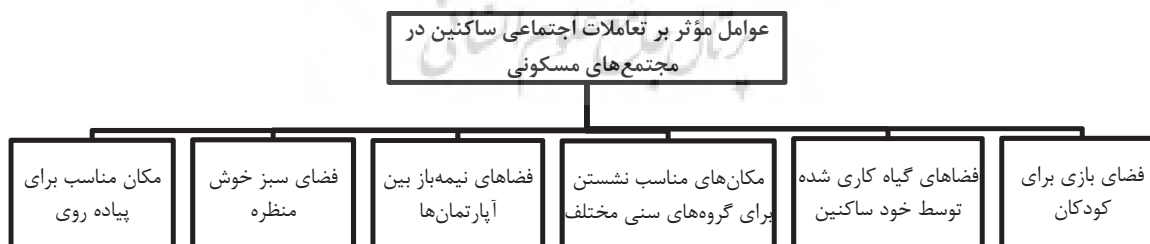
فضاهای باز مسکن به عنوان بخش‌هایی از محیط مصنوع می‌توانند به نیازهای اساسی استفاده‌کنندگان خود پاسخ دهند و با جلب مردم به خود سبب ایجاد تعلق خاطر و سرزندگی محیط شده و در خلق محیط مسکونی با تعاملات اجتماعی بالا نقش مهمی ایفا کنند. فعالیت‌های بیرونی در فضاهای عمومی در ساده‌ترین حالت به سه دسته فعالیت‌های ضروری^{۱۱}، فعالیت‌های انتخابی^{۱۲}، و فعالیت‌های اجتماعی^{۱۳}، قابل تقسیم هستند. فعالیت‌های ضروری آنهایی هستند که تقریباً حالت اجباری دارند مثل رفت و آمدهای روزانه (رفتن به محل کار، خرید و غیره). فعالیت‌های انتخابی در شرایطی صورت می‌پذیرد که تمایل به انجام آنها و نیز شرایط محیطی مساعد وجود داشته باشد (نشستن، بازی و غیره). فعالیت‌های اجتماعی آن دسته از فعالیت‌هایی هستند که بیش از هر چیز وابسته به حضور دیگران در فضای عمومی‌اند (تماشا کردن، صحبت کردن و غیره) (یان گل، ۱۳۸۷: ۳). در مورد فعالیت‌های ضروری به دلیل وجه اجباری آنها، تأثیر محیط مادی و فضای کالبدی بر تعدد، تواتر و زمان این نوع فعالیت‌ها چندان زیاد نیست، در حالی که وقوع فعالیت‌های انتخابی اصولاً منوط به شرایط مناسب محیط و فضای کالبدی است، در غیر این صورت از آنها صرف نظر می‌شود. فعالیت‌هایی که معمولاً با توقف طولانی همراه هستند، مثل ایستادن یا نشستن، بیشتر در امتداد لبه‌ها جایی که از یک طرف احساس حمایت (امنیت) می‌کند اتفاق می‌افتد. در عین حال چنین مکانی معمولاً دید خوبی نسبت به فعالیت‌های دیگر جاری در کل فضا دارد. در مورد فعالیت‌های حرکتی هم فضاهای مجاور لبه‌ها به دلیل فراهم آوردن امکان تجربه همزمان جزئیات معماری و کل فضا محبوبیت بیشتری دارند مگر آنکه فاصله آنقدر زیاد شود که عبور از میانه فضا به میزان قابل توجهی ساده‌تر و ارجح باشد (Gehl, 1987). فضا در رابطه با فعالیت می‌تواند حالت‌های مختلفی به خود بگیرد (جدول ۱).

با توجه به نظر لنگ اگر فضاهای باز عمومی مکان‌هایی برای نشستن و مکث داشته باشند، بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. تشخیص اینکه این فضاها خوب یا بد هستند به ویژگی‌های شخصیتی، اجتماعی و فرهنگی افراد بستگی دارد و الگوی دقیقی را برای طراحی فراهم نمی‌آورند. در عین حال چنانچه عرصه به عنوان محلی برای ایجاد ارتباط و انجام تعاملات اجتماعی وجود نداشته باشد عملاً زمینه‌ای برای تعمق روابط شهروندی به عنوان بستری برای گسترش فرهنگ عمومی و بروز جلوه‌های گوناگون تمدن به وجود

۴- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کاربردی و به لحاظ روش از نوع روش تحقیق تئوری زمینه‌ای است. زمینه‌گرایی به عنوان یک فرآیند مستمر و در حال حرکت به جلو و عقب بین داده‌ها و توسعه نظریه در نظر گرفته می‌شود، آنچنان‌که خود نظریه‌ی پدیدار شده به طور مستقیم جمع‌آوری داده‌ها را از طریق یک فرآیند کدگذاری و روش‌های نمونه‌گیری نظری هدایت می‌کند (Gee et al., 2013). این روش بیش از آنکه یک مجموعه از یافته‌ها باشد، توضیحی در مورد پدیده ارائه می‌دهد. در یک بیان دقیق تعریف زمینه‌گرایی نیازمند زمان است، نیازمند زنجیره‌ای از تجزیه و تحلیل‌های ارتباط یافته با سایر نظریه‌ها است. در این حالت محقق هیچگاه کار خود را با یک تئوری آغاز نمی‌کند، بلکه با مطالعه، کار شروع شده و اجازه می‌دهد موارد مربوط به آن عرصه خود را نشان دهند. نتیجه مورد انتظار از مطالعه زمینه‌گرایی یک نظریه در حال ظهور است، که از اطلاعات به دست آمده و نه از استنتاج تئوری‌های موجود است (Hamid et al., 2012). این نکته تا آنجا مهم است که همین اطلاعات تعیین می‌کند چه چیزی را باید در تحقیق جستجو نمود؟ چه مطالعاتی باید مرور شوند؟ چه سوالاتی باید در تحقیق مطرح شوند؟ یکی از خصیصه‌های بنیادی تئوری زمینه‌ای این است که در این روش "همه چیز داده است"، به این معنا که هر چیزی که در زمان مطالعه یک زمینه‌ی خاص اطلاعاتی بدست دهد داده است، نه تنها مصاحبه و مشاهده بلکه همه چیز داده است که به محقق کمک می‌کند برای تولید نظریه دست به تولید مفاهیم بزند. نمونه‌گیری بر طبق فرمول تعیین حجم

کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد و احتمال خطای ۵ درصد صورت انجام پذیرفت. ۱۷۰ پرسشنامه به صورت تصادفی بین ساکنان سه مجتمع مسکونی محله ۵ منطقه ۲۲ تهران توزیع و جمع‌آوری گردید. در پژوهش حاضر به منظور دسترسی به علل و عوامل مؤثر در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در مجموعه مسکونی منطقه ۲۲ ابتدا عوامل تأثیرگذار به کمک روش تحقیق تئوری زمینه‌ای کدگذاری گردیده‌اند (شکل ۱). کدهای بدست آمده بر اساس اطلاعاتی است که از طریق یادداشت‌های میدانی حاصل از مصاحبه‌ها، مشاهده‌ها، سمینارها، همایش‌های تخصصی، مقالات، روزنامه‌ها، گفتگوها و غیره در رابطه با عامل‌های افزایش تعامل در فضای باز مسکونی بدست آمده‌اند. سپس، موارد مذکور بر اساس موضوع و مفهوم بدست آمده کدگذاری و زیر شاخه‌های نشان داده شده در (شکل ۲) حاصل گردیده‌اند. سپس، به منظور تحلیل اطلاعات پرسشنامه‌ای در اختیار افراد پاسخگو قرار داده شد تا با رعایت اولویت شخصی از بین شش عامل افزایش تعاملات اجتماعی در فضای باز و نیمه باز مجموعه مسکونی پاسخ‌های خود را انتخاب نمایند. پس از جمع‌آوری داده‌ها، به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش تحلیل آنتروپی شانون استفاده شده است. در این روش با استفاده از روابط ریاضی آنتروپی شانون (Shannon, 1984) که در ادامه توضیح داده شده اطلاعات کیفی به اطلاعات کمی تبدیل شده است و با بدست آمدن ضریب اهمیت هر یک از کدها مشخص شده که کدام یک از اهمیت بیشتری برخوردار است.



شکل ۲. عوامل مؤثر بر تعاملات اجتماعی ساکنین در مجتمع‌های مسکونی منطقه ۲۲، با تمرکز بر فضای باز و نیمه باز (مأخذ: نگارنده)



شکل ۱. کدینگ‌های اطلاعاتی بدست آمده از فضای باز مسکن (مأخذ: نگارنده)

۵- یافته‌های پژوهش

نیمه باز مجموعه مسکونی می‌شود؟ در اختیار پاسخ دهندگان گذاشته شد و از آنها خواسته شد که به ترتیب اولویت فردی موارد نشان داده شده در جدول یک را انتخاب نمایند. در جدول (۱) n کد سوال و m شماره پاسخگو می‌باشند که برای تحقیق حاضر به ترتیب از ۱-۶ و ۱-۱۷۰ می‌باشند و F ارزش تعلق گرفته به پاسخ می‌باشد به این ترتیب که ارزش تعلق گرفته به پرسش شماره n توسط

در شکل ۲ مهمترین عوامل مؤثر بر افزایش تعاملات در مجموعه‌های مسکونی نشان داده شده‌اند. برای تحلیل محتوی اطلاعات فوق با روش آنتروپی شانون مراحل مختلفی طی شده است. ابتدا پرسش‌نامه‌ای با عنوان: به نظر شما کدام یک از عوامل زیر (کدهای بدست آمده از فضای باز مسکن) باعث افزایش تعاملات اجتماعی در فضای باز و

آن انتخاب تعلق می‌گیرد. پس از جمع آوری داده‌ها با استفاده از رابطه شماره یک فراوانی‌های جدول ۱ به هنجار شده است.

پاسخگو شماره m با متغیر F_{mn} نمایش داده می‌شود و همانطور که ذکر گردید مقداری بین $0-7$ اختیار می‌کند به نحوی که ارزش الویت اول برابر هفت و انتخاب آخر یک می‌باشد و در صورت عدم انتخاب یک مورد مقدار صفر به

جدول ۱: فراوانی مقوله‌ها بر حسب پاسخگوها (مأخذ: (Shannon, 1984))

کدها	فضای بازی و پارک برای کودکان	فضای سبز خوش منظره	فضاهای گیاه کاری شده توسط خود ساکنین	فضاهایی که دارای مکان‌های نشستن مناسبی هستند	فضاهای نیمه باز بین آپارتمان‌ها	مکان مناسب برای پیاده روی
1	F11	F12	F1n
2	F21	F22	F2n
.
M	Fm1	Fm2	Fmn

M: تعداد کل پاسخ دهندگان

(1) P

مرحله (۳) با استفاده از بار اطلاعاتی کدها $(j = 1, 2, \dots, n)$ ضریب اهمیت هر یک از کدها محاسبه شده است. هر کدی که بار اطلاعاتی بیشتری دارد از درجه اهمیت (W_j) بیشتری برخوردار می‌باشد (جدول ۲). ضریب اهمیت کدها طبق رابطه ۳ محاسبه می‌شود.

پس با استفاده از داده‌های به هنجار شده مقدار عدم اطمینان حاصل از هر کد (EJ) طبق رابطه ۲ محاسبه شده است.

(2) E

(3) w

می‌باشد. $K = \frac{l}{L_n M}$ به طوری که

جدول ۲: ضریب اهمیت هر یک از کدها

مورد پرسش	فضای بازی و پارک برای کودکان	فضای سبز خوش منظره	فضاهای گیاه کاری شده توسط خود ساکنین	فضاهای مناسب نشستن	فضاهای نیمه باز بین آپارتمان‌ها	مکان مناسب برای پیاده‌روی
ضریب اهمیت کدها	۰.۱۶۶۷۰۴	۰.۱۶۷۹۹۵	۰.۱۶۵۶۹۲	۰.۱۶۷۸۰۹	۰.۱۶۶۹۰۸	۰.۱۶۶۶۸۶

طراح قرار دارد و فراهم آوردن هر تغییر مثبت از سوی طراح در این حوزه، در اولین گام نیازمند شناخت موارد موثر و به کارگیری آنها در طراحی می‌باشد. با توجه به نتایج پژوهش حاضر، هر چه فضاهای باز و نیمه باز موثر در مجتمع‌های مسکونی از کیفیت بیشتر و بالاتری برخوردار باشند، زمینه برای انجام تعاملات اجتماعی بیشتر گردیده و باعث ارتقا سرزندگی و حیات مدنی در بین ساکنین مجتمع مسکونی می‌شود. در این راستا، شش عامل اصلی افزایش تعاملات اجتماعی در فضای باز و نیمه باز مجتمع‌های مسکونی

۶- نتیجه‌گیری

نظر به اهمیت منطقه ۲۲ و با توجه به ویژگی‌های خاص آن، این پژوهش با هدف شناسایی عوامل مؤثر در تقویت تعاملات اجتماعی ساکنین با تکیه بر بهبود فضای باز و نیمه باز مجموعه‌های مسکونی با تمرکز بر مجتمع مسکونی واقع در منطقه ۲۲ تهران صورت گرفته است. با استناد بر مطالعات انجام شده در مورد تأثیر محیط بر رفتار انسان نتیجه گرفته می‌شود که فعالیت‌های انتخابی و اجتماعی ساکنین در مجتمع‌های مسکونی در حوزه تاثیر

یکدیگر موجب اثر بخشی مناسب خواهد بود. به عنوان نتیجه مستقیم این پژوهش پیشنهاد می‌گردد که به منظور بهبود سطح و کیفیت تعاملات اجتماعی در طراحی مجتمع مسکونی، طراحی با تمرکز بر عوامل زیر صورت پذیرد:

- توسعه فضاهای مناسب برای نشستن با تمرکز بر فراهم بودن سایه مناسب و یا امکان آفتاب‌گیری برای سالمندان.
- تسهیل نمودن انجام پیاده‌روی از طریق طراحی مناسب مسیرهای بین ساختمانی.
- ایجاد و توسعه فضاهای بازی کودکان به گونه‌ای که امنیت خاطر والدین فراهم شود.
- ایجاد و توسعه فضاهای نیمه باز مشترک در طبقات مجموعه مسکونی مانند بالکن‌های اجتماعی.
- ایجاد فضاهای خوش منظره از قبیل فضای سبز مشترک، دریاچه، آبشارهای مصنوعی.

شناسائی و با استفاده از روش تحقیق تئوری زمینه‌ای کدگذاری گردیده‌اند. در مطالعات پیشین توسط محققین، به صورت پراکنده عواملی به عنوان اهرم‌های تاثیرگذار بر تعاملات اجتماعی معرفی گردیده بودند. حال آنکه برهمکنش این موارد و درجه اهمیت آنها در مقایسه با یکدیگر مورد بررسی قرار نگرفته بود. بر طبق نتایج می‌توان استنباط نمود که هر یک از موارد مؤثر، با تقریب مناسب، به طور مستقل و به میزان یکسان در افزایش تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی مؤثر می‌باشند. این امر از یک سو، به طور ضمنی تأیید کننده محوری بودن تمامی شش مورد انتخاب شده به عنوان عوامل بهبود دهنده تعاملات اجتماعی در فضای باز و نیمه باز مجتمع مسکونی و از طرفی دیگر حاکی از مکمل بودن نسبی برخی موارد ذکر شده می‌باشد. به عنوان مثال، در تمامی پاسخها مسیر مناسب پیاده‌روی در کنار فضای سبز خوش منظره انتخاب گردیده که حاکی از این مسئله می‌باشد که تنها به کارگیری این موارد در کنار

پی‌نوشت

1. Abraham Maslow
2. Social Interaction
3. Christopher Alexander
4. Social Interaction
5. Schemata
6. Deterministic Approach
7. Possibilistic Approach
8. Probabilistic Approach
9. Free-Will Approach
10. Jan Gehl
11. Necessary Activities
12. Optional Activities
13. Social Activities

فهرست منابع

- آربیر، آن؛ هیگینز، کترین (۱۳۸۱)، برنامه‌ریزی محیطی برای توسعه زمین، مترجم: سید حسین بحرینی، کیوان کریمی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۷)، زبان الگو: شهرها، مترجم: رضا کربلایی نوری، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۸)، سیر اندیشه‌ها در شهرسازی، از کمیته تا کیفیت، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- تی‌وود، جولیا (۱۳۷۹)، ارتباطات میان فردی؛ روان‌شناسی تعامل اجتماعی، مترجم: مهرداد فیروزبخت، انتشارات مهتاب، تهران.
- دانشپور، سید عبدالهادی؛ چرخچیان، مریم (۱۳۸۶)، فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی، نشریه باغ نظر، شماره ۷، صص. ۱۹-۲۸.
- ذبیحی، حسین؛ حبیب، فرح؛ رهبری منش، کمال (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین میزان رضایت از مجتمع‌های مسکونی و تأثیر مجتمع‌های مسکونی بر روابط انسان مطالعه موردی چند مجتمع مسکونی در تهران، نشریه هویت شهر، شماره ۸، صص. ۱۰۳-۱۱۸.
- رفیعیان، مجتبی؛ خدائی، زهرا (۱۳۸۷)، بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری، نشریه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۳، صص. ۲۲۷-۲۴۸.
- شولتز، دوآن (۱۳۷۸)، نظریه‌های شخصیت، مترجم: یوسف کریمی، نشر ارسباران، چاپ اول، تهران.
- عزیزی، محمدمهدی؛ ملک‌محمدنژاد، صادم (۱۳۸۶)، بررسی تطبیقی دو الگوی مجتمع‌های مسکونی (متعارف و بلندمرتبه) مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکونی نور و اسکان تهران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۲، صص. ۲۷-۳۸.
- عینی‌فر، علیرضا (۱۳۷۹)، عوامل انسانی - محیطی مؤثر در طراحی مجموعه‌های مسکونی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۸، صص. ۱۰۹-۱۱۸.
- قاسمی اصفهانی، مروارید (۱۳۸۳)، اهل کجا هستیم؟ هویت بخشی به بافت‌های مسکونی، انتشارات روزنه، تهران.

- کاشانی جو، خشایار (۱۳۸۹)، بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری، مجله هویت شهر، شماره ۶، صص. ۹۵-۱۰۶.
- گل، یان (۱۳۸۷)، زندگی در فضای میان ساختمان‌ها، مترجم: شیما شصتی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- گل، یان (۱۳۹۲)، شهر انسانی، مترجم: علی غفاری و لیلا غفاری، انتشارات علم معمار، تهران.
- لنگ، جان (۱۳۸۳)، آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)، مترجم: علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- میثاقیان، غلامرضا (۱۳۸۸)، تأملی در مفاهیم فضای شهری، فصلنامه آبادی، شماره ۲۸، سال ۱۹.
- نودری، شعله (۱۳۸۳)، رهنمودهای طراحی فضاهای باز مسکونی، مجله صفا، شماره ۷۴، صص. ۴۵-۶۴.
- Abdul Ghani S., Noraini Y., (2006). Residential Satisfaction in Low Cost Housing in Malaysia, Report of Research, Funded by USM Short Term Research Grant. Retrieved November 2009, <http://eprints.usm.my/10534/>. pp. 1-69.
- Cao X. (J) (2015). How does Neighborhood Design Affect Life Satisfaction? Evidence from Twin Cities, Journal of Travel Behaviour and Society, Article in Press.
- Festinger S., Schacter S., Back K., (1950). Social Pressures in Informal Groups: A Study of Human Factor in Housing, Standford University Press, Standford.
- Gee D., Ward T., Belofastov A., (2006). The Structural Properties of Sexual Fantasies for Sexual Offenders: A Preliminary Model, Journal of Sexual Aggression, Vol. 12, pp. 213-226.
- Gehl J., (1987). Life Between Buildings, New York, Van Nostrand Reinhold.
- Hamid WHW, Saman MZM, Saud MS, (2012). Exploring Factors Influencing the Transfer of Training Using a Ground Theory Study: Issues and Research Agenda, Procedia-Social and Behavioral Sciences, Vol. 56, pp. 662-672.
- Huang Shu-Chun L., (2006). A Study of Outdoor Interactional Spaces in High-Rise Housing, Journal of Landscape and Urban Planning, Vol. 78, pp. 193-204.
- Huang Z., Du X., (2015). Assessment and Determinants of Residential Satisfaction with Public Housing in Hangzhou, China, Journal of Habitat International, Vol. 47, pp. 218-230.
- Huang Z., Du X., Yu X., (2015). Home Ownership and Residential Satisfaction: Evidence from Hangzhou, China, Journal of Habitat International, Vol. 49, pp. 74-83.
- Marcus C., Sarkissia W., (1986). Housing as if People Mattered: Site Design Guildlines for Medium Density Family Housing. (1st ed), California: University of California press.
- McCamant K., Durrett C., (1989). Cohousing: A Contemporary Approach to Housing Ourselves. (1sted), Oakland: Ten Speed Press.
- Min B., Lee J., (2006). Children's Neighborhood Place as a Psychological and Behavioral Domain, Journal of Environmental Psychology, Vol. 26, pp. 51-71.
- Moore RC, (1986). Childhood's Domain, Play and Place in Child Development, MIG Communications, Berkeley.
- Nasar J., Julian D., (1995). The Psychological Sense of Community in the Neighborhood, Journal of the American Planning Association, Vol. 6, pp. 178-184.
- Scotthanson C., Scotthanson K., (2005). The Cohousing Handbook: A Place for Community. (1st ed), Canada: New Society Publishers.
- Shannon CE, (1974). A Mathematical Theory of Communication, Bell System Technical Journal, Vol. 27, pp. 106-111.
- Whyte WH (1980). The Social Life of Small Urban Spaces, The Conservation Foundation, Washington, D.C.